

در دوره‌های مشخصی که فیلم‌سازان پیشروی ما، الگویی را چه از نظر مولفه‌های سبکی و چه از نظر محتوایی، در فیلم‌سازی بنامی کنند، با حجم‌های از کارگردان‌ها و فیلم‌نامه‌نویسان تازه‌کار مواجه می‌شویم که به تبع آن دست به تولید اثر با همان محتوا و مولفه می‌زنند، همان‌طور که اگر کارنامه سینمایی ایران را بررسی کنید، در دوره‌ای تحت تأثیر عباس کیارستمی و بعدتر اصغر فرهادی و در حال حاضر تحت تأثیر نسل جدیدتر فیلم‌سازان پیشرو و ایرانی مانند محمد کارت، محمدحسین مهدویان و سعیدرستمی هستند، این روند اجتناب‌ناپذیر است، چرا که علاقه‌مندان و فعالان این حوزه با تأثیر از این حال و هوا، وارد این رشته می‌شوند، قلم و مداد نگاه‌شان به اطراف وام‌دار این حال و هواست که با گذشت چندسال و کسب تجربه‌های بیشتر ممکن است، مسیر اصلی خود را در فیلم‌سازی پیدا کرده و شخصیت مجزایی از الگوهای پیشین را ارائه دهند. چیزی که در این میان باید با نگاه آسیب‌شناسانه به دنبال آن رفت، این است که به غیر از مولفه‌های سبکی، مولفه‌های محتوایی و مضمونی که باید از دورن هنرمند ریشه بگیرد و از دغدغه‌های او باشد هم، تقلیدی از فیلم‌ساز پیشین می‌شود، به این معنی که اگر به‌طور مثال محمد کارت، اثری را با مضمون فقر یا قمار تولید می‌کند، نسل جدید هم به‌گرم‌تیرداری از او بدون اینکه مسئله فقر و یاغیره برایش قابل لمس و یا دغدغه شده باشد، با این مضمون اثر خود را تولید می‌کنند، چرا که نسل جدید، عمدتاً به عشق سینما وارد این رشته می‌شوند نه برای اینکه بخواهند دغدغه‌های شان را به تصویر بکشند، درحالی که بزرگان پیش‌رو در سینما از گذشته تاکنون با دغدغه‌مندی وارد این حوزه شده‌اند و همین عامل موفقیت‌شان شده است. متأسفانه نسل جدید به این شکل نیستند، معمولاً با عشق به خود سینما وارد می‌شوند و بعد از آن تازه به این فکر می‌افتند که چه می‌خواهند بگویند. بخشی از این مسئله به خاطر جشنواره‌ها است، وقتی در جشنواره به اثری جایزه می‌دهند، درواقع مسیر و کدی را به فیلم‌سازان تازه‌کار می‌دهند که خیلی با وجود خود هنرمند هم‌سو نیست، اما هنرمند ناخودآگاه برای میل به پیشرفت و دیده شدن اثر خود را در همان حال و هوای سازد. یکی از اهداف مهم باشگاه سوره هدایت و مدیریت این علاقه‌مندی در نسل جدید است، که پیش از هر چیز مسیر شخصی خود را در فیلم‌سازی مشخص کنند.



**تفاوت اصلاح ساختاری و ممیزی در این است که اصلاح ساختاری به دنبال ارائه اثر بی نقص است. اما ممیزی به دنبال خط‌زدن نقاطی است، که در ساختار اثر، اختلالی بوجود نمی‌آورد اما به دلایلی نباید، عنوان شود. باشگاه سوره این دو عنصر تفکیک شده را چگونه در آثار اعمال می‌کند؟**

برای ما خط و حدود ممیزی، احترام به کهن‌الگوهای رایج در جامعه است. به‌طور مثال؛ در فیلم‌نامه‌ای داستانی طرح می‌شود، مبنی بر اینکه پسر پسر پدر خود را می‌کشد، ساخت این اثر و انتشار آن در جامعه تبعات خود را دارد که هر سازمان بنا بر موجودیت رسمی و رسالتی که دارد، حق انتخاب دارد و این مسئله نه در ایران بلکه در همه کمپانی‌های سینمایی جهان لحاظ می‌شود. اصل ممیزی، از این نقطه شروع می‌شود که هنرمند یا دغدغه شخصی اثرش را می‌نویسد، در ادامه سازمان یا ارگانی که قصد ساخت اثر را دارد، بر روی این مسئله متمرکز می‌شوند که این دغدغه که شامل چند درصد از افراد جامعه شده و عمومیت پیدای کند، در اینجا وجوه ممیزی به حق است، اما متأسفانه فیلم‌ساز و یا نویسنده خود را خالق یک اثر می‌دانند، و با تغییر کوچکترین بخش از متن مخالفت جدی می‌کنند و آن را تخریب اثر قلمداد می‌کنند. در صورتی که در همه جای دنیا کمپانی‌ها و تهیه‌کنندگان تصمیم‌گیری را اتخاذ می‌کنند، که همه با توجه به سیاست‌گذاری‌های خود دست به انتخاب و گزینش می‌زنند، همان‌طور که در ایران ممکن است نویسنده، قصه‌ای را با موضوعیت خانواده به ارگانی ارائه دهد و رد شود، در حالی که ارگان حکومتی دیگر موازی با همان ارگان، قصه را بی نقص بدانند، که این مسئله منتج شده از نگاه مجموعه‌های مختلف است. از نظر من فیلم‌ساز و فیلم‌نامه‌نویس باید باهوش باشد، تا متنی را بنویسد که علاوه بر جلب رضایت عناصر بالادستی، حرف خودش را هم بزند. در کل از نظر من، اساس مشکل ما عدم قصه‌گویی روان و جذاب در اثر و همچنین نگاه تک‌محوری و فردی به تولید اثر است. ما از سینمای قصه‌گوی هلیوود چندسال عقب هستیم، کشورهایی مانند چین و کره از این لگوتبعیت کرده و موفق شده‌اند، درحالی که اگر بخواهیم روند سینمای اروپا را دنبال کنیم باید به این دلخوش باشیم که هر چند سال یک‌بار از جشنواره‌های مختلف جایزه بگیریم و ارتباطمان با مخاطب محدود به تولید آثار کم استقبال می‌شود. در مجموع مشکل ما در سینما اصلاً ممیزی نیست و باید اساساً نگاه خود را به هنر سینما بازبانی کنیم.

آثار اکسپریمنتال و تجربی که عمدتاً فاقد قصه‌گویی هستند، و بیشتر به‌صورت نمادگرایی به دنبال مفهوم‌سازی هستند، در اولویت تولیدی باشگاه نیستند، چرا که هدف اول جذب مخاطبی است که بتواند با اثر ارتباط برقرار کند. این فاعده‌ای است که در قالب فیلم بلند و کوتاه در باشگاه سوره مد نظر است، چرا که رعایت اصول فیلم‌نامه‌نویسی علاوه بر جذب هدفمند مخاطب عام، مخاطب خاص را هم به لحاظ ساختار درست و قصه‌گویی پرکشش جذب خواهد کرد. تجربه ما از حضور در جشنواره‌ها این را برای ما مسلم کرده است، که آثار تولیدی با مخاطب عام توانسته‌اند نظر مخاطب خاص را نیز جلب کرده و جایزه هم کسب کنند. مانند فیلم نوشابه‌مشکی، به‌کارگردانی محمدبایدار که موفق شد در جشنواره امسال فیلم کوتاه تهران در بخش مر دمی و کارگردانی نظر داوران را جلب کرده و جایزه بگیرد.

**باشگاه سوره، در ساختار فیلم‌نامه‌نویسی و مدل قصه‌گویی از چه منابع قابل ارجاعی استفاده می‌کند؟**

قصه‌گویی سه‌پرده‌ای، الگویی موفق و کارا در فیلم‌نامه‌نویسی است که امتحان خودش را در دنیا پس داده است. که در کتاب داستان اثر رابرت مکمی و اصول فیلم‌نامه‌نویسی اثر سیدفیلد، هم به تشریح آموزش داده شده است و سینمای هلیوود به درستی این روند را در تولید آثارش اجرا کرده است. تلاش ما هم این است که با همین متد پیش برویم.

**آیا از منابع متأخرتری که معرف سینمای روز دنیا هستند، هم استفاده می‌کنید؟**

برای ما اولویت در تولید فیلم‌هایی است که برای مخاطب از همان ابتدا کشش دنبال کردن را داشته باشند، ممکن است ذائقه مخاطب امروزی، به سمت آثار مدرنی باشد که علاوه بر داشتن مولفه‌های سبکی و ساختاری مدرن، مخاطب را نیز به خوبی با خود همراه می‌کند، مانند آثار مارتین مک‌دونال... در سینمای جهان، این منابع برای باشگاه هم قابل ارجاع هستند، چرا که با وجود استفاده از مولفه‌های جدید در تولید، اساساً رابرت مک‌دونال مخاطب هم گذاشته‌اند.

**در تجربه‌ای که این چند سال با هنرمندان فیلم‌ساز داشته‌اید، چه وجوه مشترکی را در میان آنها رایج دیده‌اید؟**

انگاشته نمی‌شود، و هنرمندان ما پیش‌تر به این حوزه برای کسب تجربه و عبور از کفالی نگاه کرده‌اند که قرار است به فیلم بلند برسند. به همین خاطر تمام تلاش خود را انحصاراً در این بخش صرف نمی‌کنند، به همین خاطر قلب‌متن‌هایی که در این حوزه به دست ما می‌رسد، از نظر ساختاری و تکنیکی بسیار ضعیف هستند. ما نویسنده مستقل در حوزه فیلم کوتاه نداریم و بیشتر دوستان نویسنده در فیلم‌نامه‌نویسی به نگارش اثرهای بلند روی آورده‌اند. نویسندگی فیلم کوتاه با اینکه از تعداد صفحات کمتری از فیلم بلند برخوردار است، سخت‌تر است و قواعد و ظرایف مخصوص به خود را دارد، ایجاز‌هایی که باید در اثر منظور و متناسب با فیلم کوتاه باشد، همه و همه نیاز به یادگیری و توانمندسازی در این حوزه دارند.

**مجموعه باشگاه سوره در حوزه توانمندسازی هنرمندان در حوزه فیلم کوتاه چه تدابیری اندیشیده است؟**

از سال گذشته دوره‌های رایگان جوهره، را شروع کرده‌ایم که تعدادی از فعالانی که به‌صورت مستقل به دنبال فیلم‌نامه‌نویسی هستند، رشد ذهنی و خروجی این دوره را در مرحله اول فیلم‌نامه‌نویسی کوتاه در نظر گرفتیم، که در یک محیط کارگاهی تولید و در مرحله دوم وارد پروژه‌های نگارشی آثار بلند شوند.

**باشگاه سوره در تولید اثر، مضامین و اهداف مشخصی را دنبال می‌کند؟**

خیر، ما در باشگاه مانند شبکه و یا رسانه‌هایی که آنتن دارند نیستیم که بخواهیم موضوع مشخص را دنبال کرده و یا ترویج دهیم، ما برای عموم هنرمندان دغدغه‌مند که نیاز دارند، محصول ذهنی خود را به بار بنشانند، کمک کننده هستیم. در این مسیر ممکن است کسی دغدغه مسائل سیاسی داشته باشد و دیگری بخواهد در حوزه دفاع مقدس اثری بسازد و یا در حوزه‌های اجتماعی و یا فرهنگی دیگر، انتخاب اثر برای باشگاه کلاً متنوع است و از نقشه راه خاصی پیروی نمی‌کنیم. برای ما سلامت اثر از نظر محتوایی و فنی در اولویت است. به‌طور مثال، آثار سه‌پرده‌ای کلاسیک که در آن ساختار به خوبی رعایت شده باشد و مبتنی بر یک خط درام قصه جذاب برای مخاطب باشد، برای تولید می‌توانند قابل بررسی شوند، که در فیلم کوتاه ایده‌های نوگرایی هم ارجحیت دارند. در مقابل، تولید